



گروه مطالعات اندیشه و زبان

هیچ کس به ما نگفت که شکست خورده ایم

داستان‌هایی از عراق جدید

۲

پاتوق دیگران

روری مک کارتی

هیچ کس به ما نگفت که شکست خورده‌ایم پاتوق دیگران (۲)

نویسنده: روری مک کارتی

ترجمه: فاطمه باغستانی

زیر نظر: دفتر پژوهش و ترجمه گروه مطالعات اندیشه و زنان

ویرایش و نمونه خوانی: امیرشهریار امینیان

صفحه آرای: مریم خوش برش

نظارت چاپ: مهید والی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۶۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۵۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۱۰-۹

نشانی: تهران - خیابان استاد مطهری شماره ۲۷۰

تلفن: ۸۸۷۰۰۵۹۶ - ۸۸۷۳۴۸۶۸ - ۸۸۵۵۰۴۰۲

www.andishevarzan.ir

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

سرشناسه: مکاری، روری، ۱۹۷۱ - McCarthy, Rory / م.

عنوان و نام پدیدآور: هیچ کس به ما نگفت که شکست خورده‌ایم /

نویسنده روری مک کارتی؛ مترجم فاطمه باغستانی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت گروه مطالعات اندیشه و زنان آریا، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۷۸-۱۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: قیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Nobody told us we are defeated

2006. , stories from the new Iraq

موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.

شناسه افزوده: باغستانی، فاطمه، ۱۳۵۵ - مترجم

رده بندی کنگره: PZ۳/م۸۵۹ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۱۰۱۰۱



انتشارات گروه مطالعات اندیشه و زنان

خبرنگار روری مک کارتی^۱ در می سال ۲۰۰۳، به عراق رفت تا از آنچه بازسازی موفقیت‌آمیز عراق پس از تهاجم آمریکا نامیده شده بود، خبر تهیه کند. او پس از دو سال کشوری را ترک کرد که در شروع جنگ داخلی بود، ساکنین آن آرزو داشتند که آمریکایی‌ها کشورشان را ترک کنند اما از سویی نیز نمی‌دانستند در صورت ترک آمریکایی‌ها، چه اتفاقی در انتظار آنها خواهد بود. مک کارتی در طول اقامت خود همواره به این موضوع فکر می‌کرد که رسانه‌های قدرتمند اشغالگران آمریکایی و انگلیسی تا چه حد دیدگاه‌های عراقی‌ها را کوچک شمرده و غیر واقعی نشان داده‌اند. او با بیان داستان برخی از عراقی‌هایی که آنها را از نزدیک می‌شناخت، بسیار ماهرانه‌تر و جذاب‌تر از هر نطق سیاسی، نشان داد که مردم عراق تا چه حد به اشتباه به جهانیان معرفی شده‌اند.

کتاب‌های متعددی در مورد جنگ در عراق منتشر شده است اما تعداد انگشت‌شماری از آنها ما را با خود به داخل خانه‌ها، محیط‌های کاری، جلسات شورایی و یا مساجد شهروندان عراقی در طول جنگ عراق و آمریکا می‌برد.

مک کارتی در این کتاب به ما نشان می‌دهد که مردان و زنان از بازماندگان گورهای دسته جمعی صدام گرفته تا انقلابیون نجف چگونه هر روز وضعیت بحرانی عراق را تحمل کرده و در هر جایگاهی که قرار دارند، تصمیمات مهمی اتخاذ می‌کنند. نتیجه‌ی تمام این بررسی‌ها، کتابی پراکنده و زیباست که دیدی قابل ملاحظه از ملتی آشفته ارائه می‌دهد.

■ ■ مقدمه

هرگز فکر نمی‌کردم نتیجه‌ی جنگ عراق چنین چیزی باشد، شاید هیچ شخصی دیگری نیز نمی‌توانست حدس بزند. من حتّا قادر نبودم با اطمینان وقایع آتی این کشور را پیش‌بینی کنم. تنها به نظرم می‌رسید که واکنش خشونت‌آمیزی که به واسطه‌ی تهاجم سال ۲۰۰۳ روی داد، تا مدت‌ها ادامه خواهد یافت. تمام چیزی که می‌توانم برایتان بگویم این است که حدود دو سال به عنوان گزارشگر گاردین در بغداد زندگی کردم و به چشم خود شاهد جنگ بودم. من به استثنای یک هفته که همراه واحد نظامی شدم، هرگز در محدوده‌ی محافظت شده‌ای که آمریکایی‌ها آن را «محدوده‌ی سبز» می‌نامیدند، اقامت نداشتم. بیش‌تر این دو سال را در خانه‌ای در یک خیابان معمولی زندگی می‌کردم.

برایم روزهای پس از تهاجم، زمان زودگذری بود، زمانی که امنیت کافی داشتم تا آزادانه در کشور عراق رفت و آمد کرده و با عراقی‌ها به احترام و با آداب آنها صحبت کنم. اما شرایط به سرعت تغییر کرد. در چند ماه‌اخیری که در عراق بودم، بدون همراهی با نظامیان نمی‌توانستم بغداد را ترک کنم و حتّا بخش‌هایی از شهر برای ورود بسیار ناامن بودند. در اکتبر ۲۰۰۵ درست زمانی که گزارشگر گاردین، روری کارول^۱ که جایگزین من در عراق شده بود، ربوده شد، من به عراق بازگشتم. او پس از سی و شش ساعت، سالم آزاد شد و ما با هم به سمت وطن‌مان بازگشتیم و کشوری را ترک کردیم که بیش از قبل، با جهان خارج فاصله گرفته بود. درست چند هفته بعد، دو بمب‌گذار انتحاری با بمب‌گذاری در خودرو، به هتلی که ما در آن اقامت داشتیم حمله کردند و دست‌کم هشت عراقی را به کام مرگ فرستادند، به‌طوری که آپارتمان‌های آنها ویران شده و اتاقی که در ماه‌های پایانی در آن زندگی می‌کردم، نیز با خاک یکسان شد.

اوایل اقامتم متوجه شدم که هزاران کلمه‌ای که در مورد این جنگ در سراسر جهان می‌خوانیم و می‌شنویم، بیش‌تر از زبان سیاستمداران، دیپلمات‌ها و ژنرال‌های غربی است و روایت‌های کمی از زبان خود عراقی‌ها نقل شده است. همیشه جنگ مردم صدمه دیده

را به سکوت وا می‌دارد و مانع بیان حقیقت می‌شود؛ و جنگ در عراق نیز همین کار را در مقیاس وسیع‌تر با عراقی‌ها کرد. حداقل کاری که خبرنگاران می‌توانند انجام دهند، ثبت چیزهایی است که دیده‌اند یا شنیده‌اند تا آن حقایق فراموش و یا انکار نشوند؛ وظیفه‌ی یک خبرنگار، بیان رسمی رویدادها نیست، بلکه بیان تجارب حقیقی است.

اکنون روی میز محدود سی و دو دفترچه از آن روزها به‌جا مانده است، یادداشت‌هایی مملو از گفته‌های مردم عراقی. برخی از این ماجراها را در این کتاب برایتان بازگو می‌کنم.

روری مک کارتی

بیروت، آوریل ۲۰۰۶

www.ketab.ir